

## مرجع صالح رسیدگی به جرم نگهداری دیسکتهای مبتذل

تهمورث بشیریه\*

بزرگمهر بشیریه\*\*

### مشخصات رأی

شماره دادنامه: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۷۴۰۰۸۷۹

مراجع بدوی رسیدگی کننده: ۱. دادگاه عمومی ۲. دادگاه انقلاب

مرجع حل اختلاف رسیدگی کننده: دیوان عالی کشور

### ۱. خلاصه جریان پرونده و رأی

در پی بازرسی پلیس امنیت اخلاقی از یک واحد صنفی، تعدادی حلقه نوار (CD) و یک دستگاه کیس رایانه‌ای جهت بررسی به مراجع ذیصلاح منتقل می‌شود. با بررسی‌های به‌عمل‌آمده، از میان حلقه نوارها تعدادی غیرمجاز و مبتذل تشخیص داده و نیز از مجموعه محتویات کیس، تعدادی تراک غیرمجاز شناخته می‌شود. پس از ارجاع پرونده به شعبه دادرسی، اتهام نگهداری دو حلقه نوار (CD) مبتذل به متهم تفهیم می‌گردد که در نهایت، با سپری شدن تشریفات مربوط به مرحله دادرسی، نسبت به اتهام تفهیمی قرار مجرمیت و نسبت به اتهام دیگری مبنی بر تهیه و توزیع فیلم‌های مبتذل و مستهجن قرار منع تعقیب صادر می‌شود. با تأیید قرارهای مذکور توسط مقام اظهارنظر و پس از صدور کیفرخواست، پرونده به شعبه‌ای از دادگاه عمومی جزایی می‌رود. شعبه مذکور طی رأیی (فاقد شماره) قرار عدم صلاحیت خود را به صلاحیت دادگاه انقلاب صادر می‌کند. بعد از ارجاع پرونده به دادگاه انقلاب، دادرسی دادگاه مذکور نیز با صالح ندانستن خود به رسیدگی قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه عمومی جزایی صادر می‌کند. سرانجام پرونده جهت حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال می‌گردد. متعاقباً،



شعبه دیوان عالی کشور در مقام حل اختلاف مبادرت به صدور رأی می‌نماید که حاصل آن عبارت‌است از: تأیید نظر دادگاه عمومی جزایی مبنی بر صلاحیت دادگاه انقلاب.

## ۲. مقدمه

در بررسی استدلال دیوان عالی کشور در این پرونده ابتدا باید اشاره‌ای به اصول حاکم بر صلاحیت و نیز رویکرد قانون به مسأله حدوث اختلاف و حل آن داشت. صلاحیت به معنی شایستگی و تکلیف مرجع قضایی در رسیدگی به امری است. مطابق اصول حاکم بر صلاحیت، در تحلیل صلاحیت دادگاه‌های عمومی و اختصاصی اصل بر صلاحیت دادگاه‌های عمومی است، مگر اینکه به موجب نصی، صراحتاً این صلاحیت از دادگاه عمومی سلب شده باشد و لذا نیازی به برشمردن صلاحیت‌های این دادگاه نیست. در مقابل هیچ مسأله‌ای در صلاحیت دادگاه‌های اختصاصی نیست، مگر اینکه به تصریح قانون، صلاحیت رسیدگی به آن امر به دادگاه اختصاصی اعطاء شده باشد. با این وصف، در صورت حدوث تردید در صلاحیت، باید به اصل مراجعه نمود و صلاحیت مرجع عمومی را قابل اعمال دانست. از سوی دیگر، با توجه به برداشت‌های متفاوت از مقررات، ممکن است در تخصیص عملی صلاحیت، اختلافاتی بروز کند که طبیعتاً این اختلاف باید توسط مرجعی حل گردد که نسبت به دو مرجع اختلاف کننده، جایگاه بالاتری داشته باشد. در پرونده مورد بحث، اختلاف بین دادگاه عمومی و انقلاب حادث شده، که بر اساس آنچه گفته شد، حل اختلاف توسط مرجع عالی‌تر یعنی دیوان عالی کشور وفق ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی صورت گرفته و به موجب آن، نظر دادگاه عمومی در واجد صلاحیت دانستن دادگاه انقلاب، صحیح تشخیص داده شده است. اکنون سوال اینجاست که آیا تصمیم دیوان در این حل اختلاف به درستی اتخاذ شده است یا مرجع عمومی، می‌بایست صالح تشخیص داده می‌شد. برای این منظور، نگاهی به نظرات مراجع عمومی و اختصاصی در اختلاف حادث شده ضروری است: دادگاه عمومی در استدلال برای صالح ندانستن خود به صلاحیت اختصاصی ایجاد شده به موجب تبصره ۳ بند ب

ماده ۲ و نیز ماده ۱۱ قانون مجازات کسانی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند، استناد نموده و بدین طریق خود را دارای صلاحیت ندانسته است. از سوی دیگر، دادگاه انقلاب هم در استدلال برای صالح ندانستن خود به صلاحیت عام دادگاه‌های عمومی اشاره نموده و معتقد است به دلیل اینکه ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای این عمل را جرم شمرده است، لذا عمل ارتكابی مورد بحث خارج از موضوع تبصره ۲ بند ب ماده ۳ قانون «نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌نمایند» می‌باشد و لذا باید به صلاحیت عام دادگاه عمومی مراجعه کرد و ظاهراً این استدلال را به جهت عدم تصریح به صلاحیت دادگاهی در قانون جرایم رایانه‌ای بر خلاف تصریح قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند مبتنی کرده است.

### ۳. تحلیل رأی دیوان عالی کشور در تشخیص صلاحیت

مطابق با آنچه گفته شد، موضوع تشخیص مرجع صالح رسیدگی به جرم نگهداری دیسکت مبتذل با عنایت به قصد مرتکب و توجه به بحث نظام صنفی، ذیل دو فرض قابل بررسی است:

#### ۱.۳. نگهداری دیسکت مبتذل به قصد تجارت

در مقام بررسی این دو استدلال با توجه به فرض وجود قصد تجارت به قرینه عبارت «واحد صنفی» مذکور در رأی، نظر دادگاه انقلاب علی‌رغم نظر دیوان عالی کشور و دادگاه عمومی صحیح به نظر می‌رسد. زیرا یا تبصره ۲ بند ب ماده ۳ قانون مجازات کسانی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند، به موجب قانون جرایم رایانه‌ای نسخ کامل شده که در آن صورت ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای قانون حاکم است و در این قانون هم به بحث صلاحیت اشاره نشده و لذا باید به عمومات، یعنی صلاحیت دادگاه عمومی رجوع نمود یا اینکه با تخصیص به موجب قانون مؤخر مواجه‌ایم و همان‌طور که اشاره شد، این قانون به بحث صلاحیت دادگاه انقلاب اشاره‌ای نداشته است و عمومات اعمال می‌گردد. تنها ممکن است این شبهه مطرح گردد که رسیدگی به چنین اعمالی با توجه به ماده

۱۱ قانون مجازات کسانی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند در صلاحیت دادگاه انقلاب است و قانون جرایم رایانه‌ای حداقل در این مورد تنها اصلاح یا نسخ یا تخصیصی نسبت به قانون قبلی در مسائل ماهوی داشته و مسایل مربوط به صلاحیت تحت شمول قانون قبلی است. در این صورت هم تنها قسمت اول مطلب صحیح است و با توجه به اینکه قانون جدیدی با عنوان و محتوای جدید تصویب شده و صلاحیت مرجع اختصاصی نیز نیازمند تصریح است و لذا قابلیت تعمیم ندارد، باید حکم به صلاحیت دادگاه عمومی داد. به‌علاوه آنچه اتفاق افتاده، حداقل از باب صلاحیت، موجب تردید است و تردید نیز به نفع اصل، حل شدنی است. البته در یک‌صورت می‌توان بر صلاحیت دادگاه انقلاب نظر داد و آن هم در صورتی است که هیچ ارتباطی بین مواد مستند دادگاه عمومی و دادگاه انقلاب نباشد. با توجه به قوانین مذکور و عمل ارتكابی، چنین برداشتی صحیح به نظر نمی‌رسد. افزون بر همه این‌ها علاوه بر مؤخر بودن قانون جرایم رایانه‌ای، باید به خاص بودن این قانون نسبت به قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند نیز اشاره کرد. زیرا قانون اخیرالذکر که مقدم‌التصویب نیز می‌باشد ناظر به همه رسانه‌های سمعی و بصری است و قانون مؤخرالتصویب تنها ناظر به رایانه و مسایل آن؛ که از لحاظ ماهوی اعمال موضوع پرونده بیشتر با قانون جرایم رایانه‌ای سنخیت دارد. البته نباید عمومیت قانون اول، موجب شبهه سرایت صلاحیت استثنائی آن هم باشد. زیرا توسل به صلاحیت استثنایی، نیازمند دلیل یعنی نص است که در مانحن‌فیه دیده نمی‌شود.

### ۲.۳. نگهداری دیسکت مبتذل بدون قصد تجارت

حالت دوم به گونه‌ای است که حلقه نوار (CD) های موضوع اتهام بدون قصد تجارت، صرفاً نگهداری شده باشد. در این حالت، موافق با نظر دادگاه عمومی و دیوان عالی کشور، رفتار ارتكابی از شمول ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای خروج موضوعی خواهد داشت. در نتیجه رفتار مرتکب، طبق تبصره ۲ بند ب ماده ۳ قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند وصف

مجرمانه می‌یابد که با لحاظ ماده ۱۱ همین قانون، صلاحیت رسیدگی به این امور با دادگاه انقلاب خواهد بود.

### نتیجه

تحقق هر کدام از فروض الف و ب بستگی به نوع برداشت خواننده از مفهوم خلاصه جریان پرونده (ذکر شده توسط شعبه دیوان عالی کشور) دارد؛ لذا اظهار نظر قطعی در مورد مرجع صالح رسیدگی نسبت به موضوع را می‌بایست به بررسی دقیق کل محتویات پرونده به ویژه کیفرخواست موکول نمود. اما مبتنی بر اطلاعات در دسترس در صورت وجود قصد تجارت، رسیدگی در صلاحیت دادگاه عمومی و در غیر این صورت، در صلاحیت دادگاه انقلاب خواهد بود. اشاره به این موضوع نیز خالی از فایده نیست که با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مورد اتفاق افتاده حسب مورد در صلاحیت دادگاه کیفری دو یا دادگاه انقلاب اسلامی خواهد بود.

